

تبعیض در رفتار مریبان با افراد تحت تربیت و پیامدهای آن (۲)

اشاره

در بخش نخست این مقاله، در شماره گذشته، پس از بیان مفهوم تبعیض، اهمیت رعایت مساوات در میان فرزندان و شاگردان از طرف اولیا و مریبان را مورد بررسی قرار دادیم و دلایل عام و خاص این مطلب را بر شمردیم. اینک در این شماره به بررسی پیامدهای تبعیض می‌پردازیم:

پیامدهای تبعیض

اگر تفاوتها به صورت صحیح و درست یعنی با شرایط ویژه‌ای که در بخش نخست این مقاله ذکر شد، ملاحظه و مبتنای عمل قرار گیرد، مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما در غیر این صورت پیامدهای بسیار ناگواری در بین جامعه و به خصوص شاگردان و فرزندان به همراه خواهد آورد که در این بخش به

این‌گونه پیامدها اغلب از رعایت نکردن شرایط، موقعیت مکانی، شخصیت و ظرفیت‌های وجودی از سوی والدین و مریبان سرچشمه می‌گیرد. رعایت تساوی و برابری در برخوردهای ظاهری، آثار بسیار ثمربخش را به دنبال دارد و برعکس، عمده آسیب و پیامدهای شوم نابرابری،

خورد مریبان و والدین باعث آن شده است، ابراز دارند. اگر ما به روش معصومین علیهم السلام نگاه کنیم به این نکته می‌رسیم که دوستی و نیکی بین مربی و افراد تحت تربیت، شاگرد و استاد و والدین، دو سویه است با این توضیح که اگر والدین توسط فرزندان احترام شوند، در برابر آنها رفتار عادلانه خواهند داشت و هرچه والدین فرزندان خود را مورد احترام قرار دهند، به همان میزان مورد احترام فرزندان قرار خواهند گرفت؛ زیرا رفتار عادلانه به دور از تبعیض و بی‌عدالتی نیز حق فرزندان بر والدین است.

بدیهی است که اگر یک طرف به وظایف خود عمل نکند، طرف مقابل هم به وظیفه خود عمل نمی‌کند. امام صادق علیه السلام هشدار می‌دهد که اگر می‌خواهید فرزندان با شما رفتار نیکو داشته باشند، حق بزرگی شما را رعایت کنند و برخورد مؤدبانه داشته باشند، شما هم باید در هدیه دادن‌ها و بخشش‌ها، اخلاق خوب نشان داده و با توجه به شخصیت او رعایت اخلاق و

معلول رفتاری تبعیض‌آمیز در حوزه‌های زندگی خانوادگی، اجتماعی و به ویژه آموزش است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. آسیب‌های متوجه مریبان و والدین یکی از آسیب‌هایی که تبعیض و بی‌عدالتی در پی دارد، متوجه خود والدین و مریبان می‌گردد. با این بیان که شاگرد و فرزند که مورد بی‌مهری واقع شده‌اند، صرف‌نظر از تأثیر منفی بر روحیات، رفتار، و روابط آنها، به‌همین مقدار خلاصه نمی‌شود و به شکل دیگری هم جلوه می‌کند به این صورت که افراد نسبت به مربی و والدین خود بدبین می‌شوند و کینه آنها را به دل می‌گیرد و این کار والدین را حمل بر دشمنی می‌کنند و در نتیجه به تمرد و عصیان روی آورده و از انجام وظایف سر باز می‌زنند و چه بسا به اعمال زشت دیگری دست می‌زنند تا مرجعیت آزار مریبان و والدین را فراهم کنند تا بدینوسیله هیجان درونی خود را که بر

انصاف را داشته باشید و همان طور که شما انتظار محبت از فرزندانان دارید، شما هم باید با رعایت اصول اخلاقی و بزخورد عادلانه با آنها، مهر و محبت و نیز حق پدر و مادر بودن را به آنها نشان دهید و به آنها نیکی کنید و بر انجام کارهای خوب کمک نمایید تا مشمول این دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار بگیرید. رسول خدا فرمودند: «رحم الله والداً اعان ولده علی برّه»: «خدا رحمت کند آن پدر را که فرزند خودش را در راه خیر کمک کند»^(۱).

حق پدر و مادر بر فرزندان تنها به تأمین غذا و لباس خلاصه نمی شود، بلکه فراتر از آن است و اموری همچون ازدواج، تحصیل و... همه را در بر می گیرد.

۲. آسیب های متوجه فرزندان و افراد تحت تربیت

در اثر رفتارهای تبعیض آمیز والدین و مربی نسبت به کسی که مورد محبت

قرار گرفته و او را بر دیگران برتری داده، معمولاً این گونه افراد در معرض دو آسیب جدی قرار می گیرند:

الف. شاگرد یا فرزندی که به او محبت بیش از ضرورت و نیاز شده، تشویق افراطی شده است. این نگرانی وجود دارد که او فرزند ناز پرورده و لوس و از خودراضی و خودرأی بار بیاید و حس سلطه جویی و خودبزرگ بینی افراطی در او به وجود آید زیرا که انسان دارای قوت و ضعف است و اگر در تربیت او به تمام ابعاد شخصیت وی توجه نشود، ممکن است شخصیت کاذب پیدا کند، در زندگی شکست بخورد و یا به گمراهی کشیده شود. به عنوان مثال قرآن کریم انسان را سرکش و طغیانگر معرفی می کند «زمانی که احساس سلطه و بی نیازی کند، طغیانگر می شود»^(۲).

اگر ضعف کنترل نشود، برتری دادن

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۵۲.

۲. سوره علق، آیه ۶ و ۷.

وی بر دیگران حس سلطه‌جویی و زیاده‌خواهی را در او تقویت می‌کند و او در صدد برتری‌طلبی نسبت به دیگران بر می‌آید به گونه‌ای که تمام خوبی‌ها، فضیلت‌ها و برتری‌ها را از آن خود به حساب آورده و دیگران را فاقد هرگونه امتیاز می‌داند و از این که دیگران نیز به خیر و فضیلتی دست یابند، احساس ناراحتی می‌کند: «وَأَنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً»^(۱). «به یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است* هنگامی که بدی به او رسد، بی‌تابی می‌کند* و هنگامی که خوبی به او رسد، مانع دیگران می‌شود (و بخل می‌ورزد)».

آدم بخیل و طغیانگر هنگامی که به خیر، نعمت و خوشی دست می‌یابد، تبدیل به شخصی حریص و خودرأی می‌شود و این با اهداف تربیت اسلامی در تضاد است. اساساً والدین و مریبان به این دلیل کسی را بر دیگری ترجیح می‌دهند که باعث تقویت خصلت‌های موجود نیک در او گردد. اصولاً تشویق افراد، با توجه به این موضوع است ولی

افراط در محبت، بها دادن زیاد از حد معمول نسبت به افراد باعث می‌شود که برخی از صفات منفی همانند حسادت، احساس بزرگ‌بینی در وی تقویت گردد که در جهت عکس اهداف تربیت ولی استفاده می‌شود و برنامه‌های تربیتی در او تأثیر چندانی ندارد.

ب. ممکن است شخصی که در حضور دیگران مورد محبت و تکریم و احترام قرار گرفته است، به دیگران مباحثات کند، درحالی که افراد دیگری که شاهد بر این تبعیض هستند، آنها هم خود را مستحق آن تکریم بدانند، و بدین ترتیب آشکارا تحقیر شوند و نسبت به فرد تکریم شده، حسادت ورزند و از آنکه آنها چنان هستند، بسیار دلگیر شده و به دنبال فرصت مناسبی گردند تا آن عزت و کرامتی را که به وی نسبت داده شده است، از او سلب کنند و با شایعه‌پراکنی و ایجاد شبهه، به هویت او خدشه وارد سازند. این امر به خوبی از داستان حضرت یوسف علیه السلام و

۱. سوره معارج، آیه ۱۹.

داشت و امتیاز شخصیتی که در یوسف علیه السلام سراغ داشت در دیگر فرزندان خود نمی‌دید ولی دیگر فرزندان، به علت نادانی، از درک این حقیقت محروم بودند و بدون توجه به دلایل رفتار پدر که توجیه‌پذیر بود و نیز به علت وسوسه‌های شیطانی و درونی که از حسد و بخل و طینت ناپاک آنها سرچشمه می‌گرفت، محبت پدر را نسبت به یوسف علیه السلام حمل بر تبعیض کردند و خود را به دلیل داشتن امتیازات اعتباری همانند سن بیشتر و توان زیادتر بر یوسف علیه السلام مقدم می‌پنداشتند.

۲ - ۲ آسیب‌هایی که گریبانگیر اطرافیان می‌شود

در میان عوارض و آسیب‌های تبعیض، شاید بدترین و مهم‌ترین آسیب متوجه کسانی شود که به هر علت از محبت پدر و توجه پدر و مادر و مربی محروم شده‌اند زیرا که افراد، هم از نظر شخصیتی در معرض آسیب‌های جدی

برادرانش در قرآن کریم استفاده می‌شود. آنها وقتی که محبت پدر را نسبت به حضرت یوسف علیه السلام بیش از خودشان مشاهده کردند، یا صرفاً چنین تبعیض را -بدور از واقعیت- برداشت کردند، به بهانه‌ای وی را از پدر دور ساختند تا نابود کنند. آنها می‌خواستند با نبود و فقدان یوسف محبت پدر را بیشتر به سوی خود جلب نمایند و حسادت خود را به این شکل بروز دادند و از این‌رو ابتدا نقشه قتل او را کشیدند و بعد با یک درجه تخفیف، برادر خردسالشان را درون چاهی انداختند تا رهروانی که از آنجا می‌گذرند، او را یافته، از شهر کنعان و اطراف آن دور سازند تا دیگر دست پدر به وی نرسد و محبت خویش را نثار دیگر برادران نماید.

روشن است حضرت یعقوب علیه السلام که پیامبر الهی و معصوم است، از هرگونه رفتار غیر منطقی و از جمله تبعیض دوری می‌کرد. رفتار این پیامبر الهی با فرزندان خویش دلایل خاص خود را

ضلالِ مبین^(۱): «هنگامی که (برادران) یوسف گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر از ما محبوب‌ترند، در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم بی‌گمان پدر ما در گمراهی آشکاری است».

از این آیه به دست می‌آید که آنها خود را بالاتر و برتر از یوسف می‌دانستند و لذا مستحق لطف و محبت بیشتر می‌دانستند. به گمانشان آنها دارای فضیلت ظاهری بودند، همانند قدرت بدنی و نیز نیرومندی فیزیکی؛ زیرا نیروهای ظاهری را هم‌مطراز شایستگی دیگر می‌دیدند و عقیده داشتند که پدر در حل مشکلات زندگی به ما بیشتر از یوسف احتیاج دارد و ما بهتر از او می‌توانیم از پدر و موقعیت او دفاع کنیم و به درد وی می‌خوریم. با این استدلال و قضاوتِ عجولانه بیشتر به وسوسه افتادند و نقشه قتل برادر را کشیدند و دست به کار زشتی زدند ولی نتوانستند محبت قلبی پدر را نسبت به یوسف کاهش دهند.

قرار می‌گیرند و هم خود، زمینه‌ساز آسیب به دیگران خواهند شد. احترام به یک شخص و توجه نکردن به شخص دیگر بدون علت و جهت، نسبت به اطرافیان باعث تحقیر و هتک و عقده‌روانی آنها می‌شود و کینه‌ها را شعله‌ور می‌سازد. انسان زمانی که خود را با دیگران در امری، مانند شاگرد بودن یا فرزند بودن و... مشترک می‌بیند، انتظار دارد که برخوردهای مریبی و والدین در همان حد مشترک و مساوی باشد، اگر بیشتر توجه نشود، اقلأ کمتر هم نباشد زیرا به گمان خود، خود را برای مریبی و والدین لایق‌تر و مفیدتر می‌داند و دوست دارد که آنها هم همین فکر را نسبت به او داشته باشند و گرنه سبب کینه و حسادت می‌شود، با همان گمان که برادران حضرت یوسف علیه السلام درباره خود داشتند و خود را برای پدرشان حضرت یعقوب علیه السلام مفیدتر از یوسف می‌دانستند. قرآن کریم از قول آنها می‌فرماید:

«إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا

أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَلْفِئِ

۱. سوره یوسف، آیه ۸

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عدالت و میانه‌روی در حوزه معارف قرآنی و متون روایی از عوامل عمده در ایجاد محبت، برادری و فراهم‌سازی زمینه تربیت به حساب می‌آید و به همان میزان که عدالت‌محوری و رعایت تساوی تأثیر مثبت و بار تربیتی دارد، نادیده گرفتن عدالت و تبعیض، بار منفی دارد و براساس آسیب‌های تربیتی و اجتماعی و روانی آن است که اسلام آن را مورد نکوهش قرار داده است.

در متون دینی، ملاکهای ظاهری همانند لباس، پول، منزل و مقام و... و یا زمان، موقعیت محیطی و اجتماعی نمی‌تواند ملاک برتری و امتیاز حساب شود، بلکه تقوا و معیارهای معنوی، حقیقی و الهی هستند که برتری یک شخص را نشان می‌دهند و از نظر اسلام پیوندهای خونی و خانوادگی نمی‌تواند

و نباید باعث نادیده گرفتن عدالت شود و سبب گردد تا برخی بر دیگری امتیاز داد و بدهند نظر تبعیض مورد نکوهش قرار گرفته است که پیامدهای نامطلوب و زیان‌بخش را به همراه می‌آورد و این بازتاب منفی در برخورد نامساوی و غیر عادلانه با فرزندان و یا شاگردان در محیط مدرسه، زمینه بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی، تربیتی و اجتماعی را در جامعه به وجود می‌آورد. در هر حال تبعیض و نابرابری و گسترش این فرهنگ در میان افراد، نهادها، خانواده‌ها و یا نظامهای آموزشی و تربیتی زمینه رفتارهای منفی و ضد ارزشی را تقویت می‌کند و با توجه به رویکرد منفی و آثار زیانبار تبعیض است که در حوزه دستورات دینی از آن به بدی یاد شده است.